

در یادواره شهید ابراهیم هادی

پناهیان: با مطالعه این کتاب نگاه و رفتار تان عوض می‌شود/ به جوان‌هایی که اهل تفریح و خوشگذرانی هستند، پیشنهاد می‌کنم این کتاب را بخوانند/ شهید هادی خیلی شوخ بود و شجاعت بی‌نظیری داشت/ افسانه‌های فیلم‌های اکشن غربی به پای داستان‌های جذاب زندگی شهید «ابراهیم هادی» نمی‌رسند

یادواره ۳۰۰ شهید نوجوان گردان‌های کمیل و حنظله و شهید ابراهیم هادی، در آستانه میلاد حضرت علی اکبر (ع) و روز جوان در محل لانه جاسوسی سابق آمریکا برگزار شد. فرازهایی از سخنرانی حجت الاسلام پناهیان در این مراسم را در ادامه می‌خوانید:

حتماً کتاب خاطرات شهید ابراهیم هادی را بخوانید/ با مطالعه این کتاب نگاه و رفتار تان عوض می‌شود

- شهید ابراهیم هادی در بین ۲۵۰ هزار شهیدی که در طول دفاع مقدس تقدیم کرده‌ایم، یک شهید برجسته است. از نویسنده محترم کتاب خاطرات شهید ابراهیم هادی با عنوان «سلام بر ابراهیم» تشکر می‌کنم که همه ما را به زیارت این شهید بزرگوار برده‌اند.
- به مردم و جوان‌هایی که این کتاب را نخوانده‌اند هم توصیه می‌کنم که حتماً به مطالعه این کتاب بپردازند و مطمئن باشند که نگاه و رفتارشان قبل از خواندن این کتاب، با بعد از مطالعه آن متفاوت خواهد شد. و حتی می‌توانند تاریخ زندگی خود را دو قسمت کنند: یکی قبل از خواندن این کتاب و یکی بعد از خواندن این کتاب. بنده مبالغه نمی‌کنم و مطمئن هستم هر کسی این کتاب را بخواند و با این شخصیت آشنا شود، عرض بنده را تأیید خواهد کرد. حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره) می‌فرمود: مطالعه زندگی خوبان به منزله کلاس اخلاق است. و شما با مطالعه این کتاب، اثر معنوی آن را در وجود خودتان لمس خواهید کرد.
- مقام شهدای ما نزد خداوند محفوظ است و ما از آن مقامات خبر نداریم. شاید شهدای زیادی در دفاع مقدس بوده‌اند که مقامشان بالاتر از شهید ابراهیم هادی باشد و ما آنها را نمی‌شناسیم. ولی خدا خواسته است ما شخصیتی مثل ابراهیم هادی را بشناسیم. خدا خواسته است که او در یک محله‌ای در وسط تهران زندگی کند و یکی از جوان‌های شهر ما باشد که با دیگران متفاوت است و این تفاوت به سادگی ملموس است.
- شهید هادی نه عالم دینی بود، نه جزء فرماندهان یا سرداران دفاع مقدس (به معنای خاص کلمه) محسوب می‌شد، بلکه او یکی از میان مردم بود. پدر بزرگوار ایشان هم یک کاسب معمولی بود و کسب و کار بقالی داشته است. شاید یکی از ویژگی‌هایی که او را ممتاز می‌کرد، این بود که ایشان یک ورزشکار-به تمام معنای کلمه- بود. سلوکی که ابراهیم هادی در گود زورخانه داشته در این کتاب معلوم است. که بعد هم در جبهه‌ها حاضر شد.

برخورد مرحوم دولابی (ره) با شهید «ابراهیم هادی»

- حماسه کانال کمیل در میان لحظات سراسر پرنور دفاع مقدس، واقعاً برجسته است، اما در عیل حال، کانال کمیل به شهید ابراهیم هادی افتخار می‌کند و این شهید برای گردان کمیل و کانال کمیل یک افتخار جاودانه است.
- اگر مردم تهران بخواهند یک نمونه از خوب‌های خودشان را مثال بزنند، خوب است که شهید ابراهیم هادی را مثال بزنند و بگویند: «بچه تهرونی؛ مثل شهید هادی». شاید بسیاری از خوبان تهران روز قیامت پشت سر شهید ابراهیم هادی وارد بهشت شوند. شما

می‌دانید که آقای دولابی(ره) اهل تعارف و مبالغه نبودند؛ ایشان وقتی آقای ابراهیم هادی را که یک جوان بیست ساله بود، دیدند، صبر کردند تا جمعیت برود. بعد به ابراهیم هادی فرمودند: «آقا ابراهیم! یک کم ما را نصیحت کن!» و آقا ابراهیم با شرمندگی سرش را پایین می‌اندازد که «حاج آقا! چه می‌فرمایید؟!» ولی به نظر بنده آقای دولابی این سخن را با اعتقاد گفته‌اند.

ابراهیم هادی، جوان نمونه و شاخص تهرانی دهه ۶۰ است / چرا تندیس «شهید هادی» در زورخانه‌ها نصب نمی‌شود؟!

- به نظر شما جوان شاخص تهرانی در دهه ۶۰ جز ابراهیم هادی کیست؟! اگر کسی می‌خواهد یک نمونه نسل انقلاب را ببیند، باید به پابوس شهید ابراهیم هادی برود. البته این بر اساس آگاهی‌هایی است که ما داریم. به آسمان که نگاه می‌کنید، برخی از ستاره‌ها پرنورترند چون به ما نزدیک‌ترند. البته ستاره‌هایی هم هستند که بزرگترند اما از ما دورترند و ما نورشان را زیاد واضح نمی‌بینیم. بالاخره آن ستاره‌هایی که به ما نزدیک‌ترند، راهنمای ما هستند؛ مثل ستاره قطبی. و ما راه خودمان را بر اساس ستاره قطبی تشخیص می‌دهیم.
- از کنار شهید ابراهیم هادی عبور نکنید! من واقعاً مانده‌ام که چرا در تمام گودهای زورخانه در سراسر کشور، تندیس شهید ابراهیم هادی نصب نمی‌شود؟! البته مرقد مطهر تمام شهدایی که اهل گود زورخانه بودند را متواضعانه می‌بوسم، ولی شهید ابراهیم هادی یک اعجوبه دیگری است. حالا برای چه باید تندیس او را بزنند؟ برای اینکه حتی نام او هم در یک محیط، اثرگذار است. او در زمان حیات خودش یک شخصیت معنوی برجسته بود و حالا که به شهادت رسیده است، شهادت آنچنان را آنچنان تر می‌کند!

معرفی شهید ابراهیم هادی، تازه شروع شده ...

- ایشان نوجوان بود که در جریان انقلاب قرار گرفت. قبل از پیروزی انقلاب به همکلاسی‌های خودش می‌گفت: «پدر من می‌گوید: گوش کردن سخن آیت الله خمینی(ره) مانند گوش کردن سخن امام زمان(ع) است» آن زمان که امام(ره) در تبعید بود، همکلاسی‌هایش می‌گفتند: «این حرف‌ها را نگو، ساواکی‌ها و طاغوتی‌ها تو را می‌گیرند و می‌زنند...»
- پدر ایشان مدام در بین بچه‌هایش به ایشان محبت ویژه‌ای داشت و می‌گفت: «این بچه یک حس و حال معنوی دیگری دارد. این بچه من در آینده، نام مرا هم بلندآوازه خواهد کرد...» و من می‌خواهم به آن پدر بزرگوار عرض کنم که معرفی شهید ابراهیم هادی، تازه شروع شده است.

شهید هادی برای جوانانی که می‌خواهند در محله‌شان کار فرهنگی کنند، یک الگوی بی‌نظیر است / خیلی‌ها را متحول کرد و از هرزگی به حضور در جبهه جنگ رساند

- او یک ورزشکار جوانمرد بود. و کسی که آن هیکل ورزشکاری و آن منش جوانمردی را داشته باشد، طبیعتاً مورد توجه جوانان دیگر قرار می‌گیرد. یک‌بار که با آن هیکل ورزشکاری و ساک دستی به سمت زورخانه می‌رفت، رفقاییش به او می‌گویند: «دو تا دختر محل، دنبال تو افتاده بودند و درباره تو حرف می‌زدند. ماشاء الله خوب دلبری می‌کنی!» می‌گویند از فردا دیگر ساک ورزشی بر نمی‌دارد، و لباس‌های ورزش خودش را داخل یک مشما(کیسه) می‌گذارد، و یک پیراهن گشاد می‌پوشد و روی شلوارش می‌اندازد و یک شلوار گشاد و کهنه می‌پوشد. به حدی که جوان‌های محل حیفشان می‌آمده و به او می‌گفتند: همه آرزو دارند هیکلی مثل تو داشته باشند و یک لباسی بپوشند که این هیکل را نشان بدهد! او گفت: من نمی‌خواهم عامل انحراف ذهن جوان‌های دیگر بشوم.

- ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، و جوان‌هایی که دوست دارند در محله‌شان کار فرهنگی کنند، یکی از الگوهای بی‌نظیرشان شهید ابراهیم هادی است؛ روش این شهید را مطالعه کنند. گویا او از تئوریسین‌های روش‌های تعلیم و تربیت، به این روش آگاه‌تر بوده است، او ارتکازاً بر اساس غریزه مؤمن که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «الْمُؤْمِنُ غَرِيظَةُ النَّصْحِ» (غررالحکم/۱۳۰۵) می‌دانسته که هر کسی را چگونه باید جذب کند؟ داستان‌های زیادی از او نقل شده که چه جوان‌هایی را تغییر داده و از کدام نقطه به کدام نقطه رسانده است؛ از هرزگی به حضور در جبهه‌های جنگ رسانده است.

ماجرای اذان شهید هادی که موجب تسلیم شدن عراقی‌ها شد

- او حتی توانسته بود عراقی‌هایی را که در جبهه مقابل او بودند و در سنگر خودشان در حال تیراندازی بودند، جذب کند و تسلیم کند و این طرف بیاورد. در یک سحرگاهی در یک جای بحرانی از جنگ، تصمیم می‌گیرد اذان بگوید. همه به او می‌گفتند: «چه شده که الان می‌خواهی اذان بگویی؟» ولی او دلیلش را برای هیچ کسی توضیح نمی‌دهد و با صدای بلند مشغول اذان گفتن می‌شود. وقتی که اذان می‌گوید: به سمت او تیراندازی می‌کنند و یکی از تیرها به گلولی او می‌خورد. همه می‌گویند: «چرا این کار را انجام دادی؟!» بعد او را داخل سنگر می‌برند و در حالی که خون از بدنش جاری بود، کمک‌های اولیه امدادی را برایش انجام می‌دهند.

شنیدن اذان شهید ابراهیم هادی: [بشنوید](#)

- بعد از مدتی یک‌دفعه‌ای می‌بینند که عراقی‌ها با دستمال سفید دارند می‌آیند این طرف. اول فکر می‌کنند شاید این فریب دشمن است. لذا اسلحه‌ها را آماده می‌کنند، اما بعد می‌بینند که این عراقی‌ها با فرمانده خودشان تسلیم شده‌اند. می‌گویند: چرا تسلیم شدید؟ می‌گویند: آن کسی که اذان می‌گفت کجاست؟ گفتند: او یکی از بچه‌های ما بود که شما به او تیر زدید. گفتند: ما به خاطر اذان او تسلیم شدیم و ماجرای خودشان را توضیح می‌دهند... این اثر نفس یک جوان ورزشکار است که اهل گود زورخانه بود.

تا حالا باید همه جهان، ابراهیم هادی را می‌شناختند / او خیلی شوخ بود و شجاعت بی‌نظیری داشت

- او در دوران دبیرستان در ورزش کشتی، قهرمان بوده و می‌گوید: من همیشه در کشتی مراقب بودم که روی نقطه ضعف‌های حریفم انگشت نگذارم. در حالی که رسم کشتی این است که طرف مقابل را از روی نقطه‌ضعف‌هایش به زمین می‌زنند. این نشان می‌دهد که ابراهیم هادی فوق قهرمان و فوق پهلوان بوده است. شهید هادی در عین حال خیلی شوخ بود و شجاعت بی‌نظیری داشت.
- فرهنگ جامعه ما غالباً در دست عناصر لائیک است و الا تا حالا ابراهیم هادی را همه جهان می‌شناختند. مدیران فرهنگی ما در طول این سی و پنج سال غالباً از توانایی و درایت لازم در تولید محصولات فرهنگی برخوردار نبوده‌اند و الا ابراهیم هادی را الان بچه‌های دبستانی ما هم می‌شناختند.

افسانه‌های فیلم‌های اکشن غربی به پای داستان‌های جذاب زندگی شهید «ابراهیم هادی» نمی‌رسند

- اگر سریالی برای شهید ابراهیم هادی ساخته شود و خود این شهید به سازنده سریالش توفیق بدهد، من قطع دارم مردم هر سال دوست دارند شب‌های ماه رمضان خودشان را با سریال شهید ابراهیم هادی پشت سر بگذارند.
- شهید ابراهیم هادی چند بار از پهلوی مجروح می‌شود، از گلو و صورت هم مجروح می‌شود. این شهید عزیز آن قدر داستان‌های اکشن و جذابی دارد که افسانه‌های فیلم‌های اکشن و جنگی غربی به پایش نمی‌رسند. ما فیلم‌های جنگی و چریکی غربی و شرقی کم

ندیده‌ایم، ولی بسیاری از آنها افسانه هستند. ولی اگر این کتاب را بخوانید؛ یقیناً افسانه‌هایی که به دروغ برای شما ساخته‌اند و پرداخته‌اند پیشتان رنگ می‌بازند.

- به فیلمسازهای محترم می‌گویم: اگر هنرتان ضعیف است، بیایید برای شهید ابراهیم هادی کار کنید؛ هنرمند خواهید شد. او خودش شما را هنرمند خواهد کرد. داستان‌های او به شما تکنیک کار خواهد داد. فقط مثل خودش به سمتش بروید؛ او خیلی اخلاص داشت.
- در بین ویژگی‌های برجسته ابراهیم هادی، اگر بخواهم یک ویژگی برتر او را بگویم، باید اخلاص او را بگویم که دغدغه اصلی او در تمام طول عمرش بود. او دقت می‌کرد که «کار برای خدا باشد» و این یکی از تکیه کلام‌هایش بود و می‌گفت: «کاری که مخلصانه نباشد به درد نمی‌خورد.»

امام با دفاع مقدس، گل‌هایی مثل «ابراهیم هادی» را پرورش داد

- حضرت امام(ع) کسی بود که به عنوان یک رهبر سیاسی، این هنر را داشت که چنین گل‌هایی را از دل این خاک برویاند و در دل این جامعه چنین گوهرهایی را کشف کند و پرورش دهد.
- بعضی از سیاسیون مثل حضرت امام(ره) هستند که وقتی به جامعه می‌آیند، خوب‌ها و گوهرهایی را از دل این دریا بیرون می‌کشند و آنها را برای تاریخ، الگو می‌کنند. و برخی از سیاسیون هم هستند که وقتی در رأس یک جامعه بیایند، خرچنگ‌ها و مارماهی‌هایی را از دل دریا بیرون می‌آورند و با تکیه به آن اراذل و اوباش، قدرت خودشان را تضمین می‌کنند.
- امام(ره) و مقام معظم رهبری دو تا از سیاستمدارانی هستند که ما در تاریخ معاصر خودمان دیده‌ایم که چگونه از دل جامعه ما، ابراهیم هادی‌ها را بیرون می‌آورند. و اخیراً مقام معظم رهبری، نه تنها از دل جامعه خودمان، بلکه از دل منطقه دارد چنین گوهرهایی را بیرون می‌کشد. این نور ولایت و کارکرد ولایت است. اما برخی از سیاسیون هستند که وقتی فعال می‌شوند و نفوذ پیدا می‌کنند، به دنبال آدم‌های خودشان می‌گردند؛ مثل آن کسانی که اراذل و اوباش اطراف مدینه را آوردند و در خانه علی(ع) را آتش زدند. علی(ع) با خودش مقداد و عمار و ابوذر می‌آورد، ولی آنها چه کسانی را آوردند!
- ما سیاستمدارانی می‌خواهیم که گوهرهای تابناکی مثل شهید ابراهیم هادی را از دل این خاک پرگوهر بیرون بیاورند؛ همان شهیدی که در وصیتنامه خودش به اطاعت از رهبری سفارش می‌کند و سیاستمداران را نصیحت می‌کند.

بنده مبلغ یک کتاب هستم؛ کتاب «سلام بر ابراهیم»/ به جوان‌هایی که اهل تفریح و خوشگذرانی هستند،

پیشنهاد می‌کنم این کتاب را بخوانند

- من دوست دارم در مراسم بزرگداشت شهید ابراهیم هادی و شهدایی مثل ایشان، سرود «ای ایران ای مرز پرگهر...» را بخوانند؛ آنجاست که آدم افتخار می‌کند. با خواندن این کتاب یک‌بار دیگر همه زیبایی‌های نهفته در این خاک برایم زنده شد.
- بنده مبلغ یک کتاب هستم؛ کتاب «سلام بر ابراهیم» که نویسنده محترم کتاب می‌فرماید: وقتی که کتاب را تمام کردم، استخاره بلد نبودم و تمرین نداشتم، ولی قرآن را باز کردم و نیت کردم که خدایا! اسم کتاب را چه بگذارم؟ اول صفحه آمد: «سَلَامٌ عَلَیْ إِبْرَاهِیمِ» (صافات/ ۱۰۹)

- برای جوانهایی که اهل تفریح و خوشگذرانی هم هستند، پیشنهاد می‌کنم این کتاب را بخوانند تا ببینند که با کتاب هم می‌شود تفریح کرد و خوش گذراند.
- این کتاب، کتابی نیست که از زندگی کسی برای ما حرف بزند که اهل ظواهر معنوی یا ادعای حزب‌اللهی‌گری باشد. شما بعد از خواندن چند صفحه از این کتاب متوجه می‌شوید که شهید هادی اصلاً اهل این چیزها نبود. شما با خواندن این کتاب، می‌توانید یک آدم حسابی را از نزدیک تجربه کنید.
- من مطمئن هستم کسانی که به دین ما متدین نیستند و اصلاً مکتب ما را نمی‌شناسند، اگر با ابراهیم هادی آشنا بشوند، به مکتب ما احترام خواهند گذاشت و به ما خواهند گفت: خوش به حال تان!

کتاب «سلام بر ابراهیم» که توسط انتشارات «ابراهیم هادی» منتشر شده و تاکنون به چاپ هفتادم و به تیراژ ۲۰۰ هزار جلد رسیده است، را از روش‌های زیر می‌توانید تهیه نمایید:

- خرید اینترنتی: [اینجا](#)
- مراکز توزیع: [اینجا](#)
- وبگاه انتشارات «شهید ابراهیم هادی»: www.ebrahimhadi.com

